

## Abstract 6

*Interdisciplinary Researches in Jurisprudence, Vol.6, No.1, Autumn 2017 & Winter 2018, Serial. 11*

### **The Nature of Changing Decision in Sunni Jurisprudence**

*Hosein Birashk\**

Date of Received: 2017/03/07

*Abdolsalam Emami\*\**

Date of Accepted: 2017/09/11

In the Islamic branches, changing the judgment is one of the issues that religious scholars have been argued in more details in contemporary and foretime. All the Islamic branches have admitted the permission of changing juris consult's legal decision as a principle and in the point of view of that branches, juris consult can back out from his decision.

Therefore, the main idea of the writer in this article is that which factors are effective in changing decision. We analogy obtain factors form the decision of jurisprudents and try to explain some jurisprudence examples.

In general writer believe that two factors have effected changing decision in Sunni jurisprudent: "1- changing the subject" and "2- receiving new evidences".

These are affected by some issues such as: 1- changing the age 2- changing the place 3- changing the situation 4- changing the custom 5- changing in people's ability and facility 6- changing the opinions and point of views 7- changing in social, economic and political circumstances 8- generality for involving the issues.

**Keywords:** Fatwa, Sunni Jurisprudence, Time and place Requirements, Changing Fatwa.

---

\* Assistant Professor of the Department of Fiqh and Islamic Law Foundations at Imam Sadiq(a.s) University - bosseinbirashk@yahoo.com

\*\* PhD Student of Fiqh and Islamic Law Foundations at Tehran University (responsible author) - betoshy@gmail.com

## چیستی و چرایی تغییر حکم در فقه عامه

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۲۱

حسین بیرشک\*

عبدالسلام امامی\*\*

### چکیده

در آراء مذاهب اسلامی مسئله تغییر فتوا از جمله مسائل مهمی است که در دوران معاصر و قدیم، علما در مورد آن به تفصیل بحث کرده‌اند. جواز تغییر فتوای مفتی را همه مذاهب اسلامی به عنوان یک قاعده کلی پذیرفته‌اند و از دیدگاه آن مذاهب جایز است که مفتی از فتوای خود، رجوع نماید. بنابراین، گزاره کلی نگارنده در مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که چه عواملی در تغییر فتوا مؤثر هستند؟

به همین منظور مؤلف تلاش نموده تا عواملی را بر حسب استقراء از تضاعیف گفتار فقیهان اهل سنت به دست آورده و امثله فقهی آن را بیان نماید. نگارنده به طور کلی دو عامل را باعث دگرگونی فتاوی فقیهان اهل سنت دانسته که عبارتند از: ۱. تغییر موضوع و ۲. دریافت منابع و ادله جدید، که در مقاله حاضر تلاش می‌شود بدان‌ها پرداخته شود.

### واژگان کلیدی

فتوا، تغییر حکم، فقیهان اهل سنت، فقه عامه، مقتضیات زمان و مکان

\* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق(ع) hosseinbirashk@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران - نویسنده مسئول

betoshy@gmail.com

## مقدمه

شریعت اسلام متضمن مصلحت دین و دنیای بندگان می‌باشد و آن چنان برخوردار از عناصر جاودانگی و ظرفیت و انعطاف است که آن را شایسته هر زمان و مکانی ساخته است. شریعت اسلام که پایان بخش شرایع آسمانی است، برای تمام انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌هاست و برای رشد عقل، جان، تن، عواطف و روابط امور دنیا و آخرت بشر کاربرد دارد و او را سعتمند می‌سازد.

از جمله عناصر جاودانگی این شریعت این است که فتوا در آن با تغییرات زمانی، مکانی، عرف و شرایط و اوضاع و عوامل فراوان دیگری، تغییر می‌یابد. هر محقق می‌داند که در جهان، مسلمانان و امت اسلامی درباره احکام دین خود می‌پرسند تا بدانند کدام عبادتشان روا و کدام یک نارواست و حلال و حرامشان در معاملات کدام است؟

برای پاسخگویی به این مسئله در بسیاری از کشورهای اسلامی منصب و مقام «مفتی و افتا» در نظر گرفته شده است و به دلیل اهمیتی که جایگاه افتا دارد، کتاب‌هایی درباره شرایط و آداب مفتی، آداب مستفتی، تألیف شده است. بر مفتی واجب است به پرسش‌های فقهی دیگران پاسخ بدهد، و به تبیین آن‌ها بپردازد. اصل در پاسخ‌های مفتی بر این است، که باید از روی پژوهش و اجتهاد خود سخن بگوید و پاسخگویی رخ داده‌ای واقعی امت باشد و از پاسخ به مسائل فرضی و غیر واقعی دوری نماید.

مهم‌ترین امری که در فتوا باید به آن توجه داشت، مراعات عوامل و لوازم تغییر فتواست. بحث تغییر فتوی و عوامل آن از مطالب مهم فقه می‌باشد که علما به آن توجه داشته‌اند و لذا پاسخ به این سؤال برای پژوهشگر در دنیای فقه بایسته و ضروری است که چه عواملی در تغییر فتوای فقیهان مؤثر می‌باشد.

## ۱. ادبیات نظری پژوهش

### ۱-۱. فتوا در لغت و اصطلاح

واژه «فتوا» در لغت اسم مصدر و به معنای فرمان فقیه و مفتی و آنچه فقیه برای مقلدان خود، یا درباره حکم شرعی بیان می‌دارد، گویند واژه استفتاء نیز در لغت به معنی

درخواست جواب یک امر مشکل؛ فتوا خواستن و فتوا پرسیدن می‌باشد. فتوا در اصطلاح فقیهان عبارت است از؛ بیان کردن و خبر دادن از حکم شرعی از روی دلیل و بر وجه غیر الزام (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷).

### ۲-۱. تغییر فتوا در نگاه فقیهان

از جمله مسائلی که میزان بیان احکام در نگاه فقیهان اهل سنت می‌باشد، «عرف» و «مقتضیات زمان و مکان» است که در بین ایشان افراد بسیاری همانند قرافی (قرافی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۶ و ۱۷۷)، ابن عابدین (ابن عابدین، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۲ و ۱۲۳)، ابن قَیم (ابن قَیم، ۱۹۷۳، ج ۳، ص ۳)، قرضاوی (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۵۱)، وهبه زحیلی (زحیلی، ۱۴۲۲، ص ۱۸۵-۱۸۱) و عبدالوهاب خَلاَف (خَلاَف، ۱۳۹۲ق، ص ۹۱)، آن را مورد اهتمام خود در بیان احکام قرار می‌دهند.

بها دادن به این دو عنصر در نظام فکری فقیه، لازمه لاینفکشان قائل شدن به دَوْران فتوا بر این دو عنصر می‌باشد که در واقع پذیرفتن امکان تغییر آن می‌باشد. بر این اساس است که فقیهان اهل سنت معتقدند: آنچه را که عمرین خطاب انجام داده است و برخی از احکام را بنا بر تغییر زمان، شرایط و احوال تغییر داده است، اگرچه درباره آن‌ها نص هم وجود داشته است، اما عمر چون زمامدار جامعه اسلامی بوده و با توجه به مصلحتی که خود تشخیص داده است، آن احکام را تغییر داده است و صحابه نیز بر او ایراد نگرفتند و کلیه فقیهان اهل سنت نیز این کار وی را تأیید نموده‌اند، مانند آنچه که وی در مورد سهم «مؤلفه القلوب» انجام داد و هم‌چنین آنچه را در قضیه طلاق ثلاثه انجام داده است.<sup>۱</sup>

### ۳-۱. سیر تاریخی تغییر فتوا

تغییر فتوا در طول تاریخ تفکر اسلامی به وفور در دوران مختلف حتی دوره حضور رسول اکرم (ص) وجود داشته است. برای مثال در عهد رسول اکرم (ص) حدیثی از عبدالله بن عمرو عاص نقل شده است که می‌گوید: «در حضور پیامبر اکرم (ص) بودیم، جوانی وارد شد و گفت: ای رسول خدا می‌توانم زمانی که روزه دار هستم [همسر را]

ببوسم؟ فرمود: خیر. آنگاه سالمندی آمد عرض کرد: ای رسول خدا در حالی که روزه‌دارم [همسرم را] ببوسم؟ فرمود: آری. ما به همدیگر نگاه کردیم. پیامبر اکرم (ص) فرمود: دانستم که نگاه شما برای چیست؟ آن سالمند می‌تواند خود را نگاه دارد» (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۰ و ۲۲۱؛ هیشمی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۶۵).

روایت دیگری را سلمه بن اکوع از ایشان نقل کرده: «هر کس از شما قربانی کرد، نباید پس از سه روز، گوشتی از آن در منزلش باقی مانده باشد» ولی سال بعد که شد، گفتند: ای رسول خدا (ص)، آیا همچون سال گذشته عمل کنیم؟ حضرت فرمود: «بخورید و بخورائید و ذخیره کنید؛ زیرا آن سال، مردم در مشقت بودند. می‌خواستیم به یاری آنان بشتابید» (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۲۳۹؛ زیلعی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۹۴).

در عهد صحابه نیز تغییر دیده می‌شود برای مثال اگر به اصحاب پیامبر (ص) و خلفا نگاه کنیم، آنان را فقیه‌ترین مردم در به کارگیری قاعده «تغییر فتوا براساس تغییر موجبات آن» می‌یابیم و در این باره مثال‌های فراوانی وجود دارد. برای نمونه، موارد زیر را می‌توان نام برد: تغییر فتوا در عقوبت و کیفر شراب‌خوار، زکات فطر، فتوای عمر در مورد زکات اسب، متوقف کردن دادن سهم مؤلفه القلوب، طلاق ثلاثه و تقسیم اراضی مفتوحه عنوه.

این مطلب در زمان تابعان نیز مشاهده می‌شود. در زمان تابعان نیز نمونه‌های فراوانی از تغییر فتوا وجود داشته است. مانند این که تابعان قیمت‌گذاری کالاها را از طرف دولت جایز می‌دانستند و علت جواز آن را دفع ضرر از عموم مردم می‌دانستند، چون اوضاع مردم کاملاً متفاوت از زمان پیامبر (ص) و زمان صحابه بود. هم‌چنین روایت شده است که عمر بن عبدالعزیز، زمانی که در مدینه بود، بر اساس یک شاهد و قسم، حکم می‌کرد، اما زمانی که در شام بود فقط بر اساس دو شاهد حکم می‌کرد، زیرا مردم شام از لحاظ ایمانی کاملاً با مردم مدینه تفاوت داشتند (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۶۶). این جمله مشهور عمر بن عبدالعزیز که در آن گفته است: «تحدث للناس افضیة بقدر ما احدثوا من فجور» (شاطبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۱ و ۱۸۰؛ غزالی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۹) اشاره به ویژگی‌های ایمانی مردم شام دارد.

## ۲. عوامل تغییر فتوا در نگاه فقیهان اهل سنت

نگارندگان بر اساس تتبع در منابع اهل سنت عناوین کلی را که می‌توان از آن‌ها به عنوان عواملی معیّر حکم در نگاه ایشان مطرح نمود مورد بررسی و نقد قرار می‌دهند.

### ۲-۱. تغییر فتوا به دلیل تغییر موضوع

یکی از عوامل تغییر فتوا در نظام فقهی اهل سنت، تغییر موضوع می‌باشد که این تغییر نشأت گرفته از عوامل مختلفی است که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۲-۱-۱. تغییر زمان

از جمله موارد مهم در تغییر فتوا، تغییر زمان است. مراد از تغییر زمان، انتقال از یک سال به سال دیگر یا از یک دهه به دهه دیگر نیست؛ آنچه مؤثر و مراد ما در این بحث است، تغییرات انسان بر اثر تغییرات زمانی می‌باشد؛ زیرا اگر زمان تغییر کند و انسان به همان حالت اولی خودش باقی بماند و تغییری بر او عارض نشود، حکم باقی می‌ماند، و مراد از تغییر زمان، تغییری است که در آن اوضاع مردم نیز دگرگون شده باشد.

زمان یا دوره‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، با زمان و دوره‌ای که پیشینیان ما در آن زندگی می‌کردند، متفاوت است. چیزهایی برای مردم تازگی دارد و مفتی حتماً باید تغییرات زمانی را در نظر بگیرد و بر امر واحدی پابرجا نماند؛ به ویژه تغییرات زمانی خوب به بد یا بد به بدتر را که از آن به فساد زمان یاد می‌شود، رعایت کند. منظور ما در این جا، فساد مردم و تغییرات اخلاق مردم از صلاح به فساد و از پایداری به انحراف و از برادری به خودخواهی و از مهرورزی به خشونت و سنگدلی است.

وقتی اخلاق مردم دگرگون شد، فتواها و احکام نیز باید همسو با این دگرگونی‌ها تغییر یابد و آن چنان که عمر بن عبدالعزیز گفت: «برای مردم به همان اندازه که هرزگی ورزند، مسائلی پیش می‌آید»؛ یعنی هرزگی مردم مستلزم صدور احکامی متناسب با آن و در جهت درمان آن است. همان‌گونه که عایشه در مقام اعتراض بر زنان زمان خود

گفت: اگر پیامبر زنده می‌ماند و بر آن چه که بعد از وی انجام می‌دهید آگاه می‌شد، شما را از رفتن به مساجد باز می‌داشت. زیرا در زمان پیامبر (ص)، زنان برای ادای نمازهای پنج‌گانه به مسجد می‌رفتند، در حالی که روشنایی در راه‌ها و جود نداشت، اما بعداً که عایشه دید برخی از زنان هنگام رفتن به مساجد خود را معطر و آرایش می‌کنند، آن جمله را به آنان گفت، زیرا پیامبر (ص) فرموده بود: زنان باید بدون این که خود را خوشبو و معطر کنند به مساجد بروند.

در این جا تغییر زمان به خاطر تغییر اخلاق و رفتار مردم است. تغییرات زمانی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و باعث شده تا علمای حنفی قائل به اختلاف میان ابوحنیفه و دو شاگردش، ابویوسف و محمد بن حسن گردند. در زمان ابوحنیفه او آرایشی داشت که بر اساس آن‌ها فتوا می‌داد و همان طور که گفته شد شاگردان او به ویژه قاضی ابویوسف و محمد بن حسن شیبانی در موارد بسیاری با استادشان مخالفت کردند و برخلاف دیدگاه وی فتوا دادند و این اختلاف فتوای آنان بر اثر تغییر دوره و زمان می‌باشد. شافعی نیز هنگامی که در اواخر عمر در مصر بسیاری از آرای خود را بر اثر تغییر زمان، تغییر داد. اهمیت عامل زمان در تغییر فتوا تا آن جا است که موجب تغییر کلی حکم می‌شود، به گونه‌ای که در مسأله رفتن زنان به مسجد که در بالا ذکر شد، فقیهانی متقدم، بیرون رفتن زن جوان را برای ادای نماز جماعت در مسجد، حرام دانسته‌اند و برخی از علمای متأخر حتی حکم را به پیرزن نیز تعمیم داده‌اند.

آنچه که مهم است و باید به آن توجه کنیم این است که شرایط زمانی و مکانی در این مسأله بسیار مؤثر می‌باشد و موجب تغییر مجدد فتوا در آن می‌شود و اکنون باید به جواز بیرون رفتن زنان به مساجد فتوا داده شود؛ زیرا امروزه زنان و دختران برای مدرسه، دانشگاه، بازار و مسافرت به اماکن مختلف، از خانه بیرون می‌روند و به هر کجا که بخواهند می‌روند و فقیهان تنها رفتن آنان به مساجد را جایز نمی‌دانند و این با روح شریعت منافات دارد (قرضاوی، ۱۴۱۷، ص ۴۸-۵۲؛ گرجی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۳-۱۸۴؛ زرقاء، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۴۱-۹۴۵).

برای تاثیر عامل زمان بر تغییر فتوا می‌توان مسأله «وصیت واجب» را ذکر کرد. تغییر اخلاق مردم، فقیهان زمان در برخی از کشورهای عربی همچون مصر و سوریه را بر آن

داشت تا خطاب به دولت فتوا دهند که قانون وصیت واجب را زمانی که پسر یا دختری در زمان حیات پدرش فوت می‌کند و فرزندان یتیمی را به جای می‌گذارد، صادر کند. در این حالت اگر جدّ این فرزندان یتیم فوت کند، به لحاظ میراث، بهره‌ای از ارث وی نخواهند برد و عموها و عمه‌های آنان مانع دسترسی آن‌ها به ارث می‌شوند و به این ترتیب، علاوه بر یتیمی، محرومیت را نیز باید تحمل کنند.

در گذشته مردم چنین رنجی را احساس نمی‌کردند؛ زیرا عموها و عمه‌ها، برادر زاده‌های خود را همچون فرزندان خویش تلقی می‌کردند، اما در این زمان، گرایش‌های مادی‌گرایانه، همه جا چیره شده و هر کس تنها به فکر خویش است، و نواده‌هایی که از پدر بزرگ یا مادر بزرگ خود ارثی نمی‌برند، با مشکل روبه‌رو می‌شوند. حال آنکه بر اساس آیات قرآن باید قسمتی از اموال متوفی برای ایشان در نظر گرفته شود.<sup>۲</sup>

برخی فقیهان سلف بر آن بودند که وصیت برای خویشان غیر وارث واجب است؛ چون وارثان نیاز به وصیت ندارند و شایسته‌ترین کسان برای وصیت، نوادگان هستند که پدر یا مادرشان در زمان حیات پدر یا مادر بزرگ، فوت کرده است. به همین دلیل بوده که قانون وصیت واجب صادر شد (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۷۹ و ۸۰).

## ۲-۱-۲. تغییر مکان

متقدمان اهل سنت به صراحت از نقش مکان به عنوان علت تغییر در فتواها یاد کرده‌اند. بی‌شک هر محیطی بر نوع اندیشه و رفتار ساکنان خود تأثیر می‌گذارد و از این رو، بیابان نشینان با شهر نشینان متفاوت‌اند، روستاها با شهرها تفاوت دارند، سرزمین‌های گرم با سرزمین‌های سرد یکسان نیستند، شرق با غرب فرق می‌کند و «دار الاسلام» با «دار الحرب» یا «دار العهد» یکی نیست.

هرکدام از این مکان‌ها تأثیرهای خود را بر احکام شرعی دارند؛ بنابراین عالم یا فقیه نباید در یک فتوا ثابت بماند، تغییری در آن ندهد و عوضش نکند. او حتماً باید این تفاوت‌هایی را که یاد کردیم در نظر گیرد تا عدالتی که شریعت در پی آن است و مصلحتی که هدف همه احکام آن است، تحقق پیدا کند. برای مثال آیه «الْأَعْرَابُ أَشَدُّ



كُفْرًا وَتَفَاقًا وَ اَجْدَرُ اَلَّا يَعْلَمُوْا حُدُوْدَ مَا اُنزِلَ اَللّٰهُ عَلٰى رَسُوْلِهِ وَ اَللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ» (توبه: ۹۷) حاکی از تغییر عادات به تغییر مکان است (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۶۳۱).  
خط مشی اسلام بر این بود، که ساکنان بادیه را به شهرها گسیل دارد و بر هر یک از بادیه نشین‌ها - که اسلام را می‌پذیرفت - واجب می‌شد به شهر کوچ کند و به یادگیری دانش و فرهنگ بپردازد (قرضاوی، ۲۰۰۱، ج ۸، ص ۱۳۱).  
هم چنین مرتد شدن اعرابی پس از کوچ به شهر، از گناهان کبیره برشمرده می‌شد. احکام مربوط به بیابان نشینی مسلماً با احکام مربوط به شهرنشینی متفاوت است. آن چه که علما در این مورد از آن یاد کرده‌اند مربوط به انکار برخی از فرایض اسلام از جمله نماز، روزه، زکات و حج است؛ زیرا این فرایض از ضروریات دین است و در معرفت آن‌ها، خاص و عام یکسان هستند و انکار آن‌ها به مفهوم تکذیب خدا و رسول یعنی عین کفر است.

علما همچنین از بادیه نشینان و شهادت آنان علیه و له شهرنشینان یا روستا نشینان سخن گفته‌اند و برخی فقیهان این کار را منع کرده‌اند؛ زیرا بادیه نشینان با عرف و عادات شهرنشینان در معاملاتی که میان ایشان صورت می‌گیرد و الفاظی که در محیطشان جاری می‌شود، آشنایی ندارند. بنابراین ممکن است در مواردی به شهادت بپردازند که با آن آشنایی ندارند، مگر آن که بادیه نشین، رفت و آمد فراوانی به شهر و آمیزش زیادی با مردم داشته و در مجالس و مجامع آن‌ها مشارکت داشته باشد که در این صورت همچون شهرنشینان می‌گردد. در این حالت با معاشرت و مخالطت، صفت او نیز تغییر می‌کند و به تبع آن، حکم شرعی مربوطه نیز تغییر می‌یابد (ابن قدامه، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۳۱؛ ابن ماجه، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۹۳؛ ابو داوود، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۳۰). همانند مسأله بادیه نشین و شهرنشین است، مسائلی چون تفاوت سرزمین‌های گرم و سرد؛ تغییر مکانی با تغییر آب و هوا، تغییر مکان نسبت به دارالاسلام و مناطق دیگر (دسوقی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۷۵؛ یوسف مهدی، بی‌تا، ص ۱۸۱).

عامل دیگر در تغییر فتوا، تغییر شرایط و حالات<sup>۳</sup> مردم است (قرضاوی، ۱۴۲۲، ص ۱۵۴-۱۸۸). در سیره پیامبر اکرم (ص) می بینیم، که ایشان اصحاب خود را در مکه - که مشرکان آنان را آزار و اذیت می کردند- از برداشتن سلاح و دفاع از خود در برابر آنها منع می فرمود و آنان را به خویشتن داری و شکیبایی فرا می خواند؛ اما هنگامی که به مدینه مهاجرت کردند و حکومت و قدرت مستقلی به دست آوردند، خداوند متعال به آنان اجازه جهاد و مبارزه با کافران را داد و خداوند باری تعالی بر یاری دادن آنان توان بود (نسائی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۲؛ حاکم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۷۶ و ۷۷؛ بیهقی، ۱۳۴۴، ج ۹، ص ۱۱).

پیامبر اکرم (ص) رعایت حال صحابه را می فرمود و در مورد ضعفا، تخفیف هایی در نظر می گرفت که در مورد قدرتمندان روا نمی داشت و بر بدوی آسان گیری هایی داشت که بر شهر نشین نداشت. این داستان مشهور است که وقتی اعرابی در مسجد بول کرد و صحابه به سوی او یورش بردند، پیامبر (ص) فرمود: «بول او را قطع نکنید و بر آنجا آب پاشید؛ چرا که باید آسان گیر باشید، و سخت نگیرید» (بیهقی، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۴۲۷؛ نسائی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۷۵). بر این اساس سهولت و صعوبت که از شرائط حکم است، در تغییر فتوا تأثیر به سزایی دارد.

## ۲-۱-۴. تغییر عرف و عادات

از دیگر علل تغییر فتواها، تغییر عرف و عادت است؛ علمایی همانند قرافی، ابن قیم و ابن عابدین و دیگران این موضوع را خاطر نشان کرده اند. فقه اسلامی از آن رو عرف را اعتبار بخشیده که می داند مردم چنین عرف هایی را تنها به دلیل نیازی که به آن داشته اند و از این جهت که مصلحتی را برای آنان تحقق می بخشد، ایجاد نموده اند. بنابراین، فقه به نیازها و مصالح مردم توجه کرده و عرف و رعایت آن را در شمار دلایل تبعی خود قرار داده است.

اما آن چه در اینجا مهم است، اینکه، اگر چنین عرفی تغییر یابد، آیا حکم و فتوا نیز تغییر می یابد؟ (قرافی، ۱۹۹۵، ص ۲۳۱؛ قرافی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۶ و ۱۷۷). بر این اساس است که برخی از فقیهان گفته اند: الفاظی که واقف، موصی، نذر کننده و هر کس

دیگری که عقدی را اجرا می‌کند، حمل بر عرف و عادت و لغت و زبانی می‌شود که آن فرد به آن تکلم می‌کند، خواه با لغت عرب و لغت شارع مطابقت داشته باشد یا نه (مالکی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۴).

گاهی اوقات نیز برخی دعاوی که مدعی مطرح می‌کند، پذیرفته نمی‌شود چون آن دعوی از مواردی است که عرف و عادت آن را تکذیب می‌کند. همان‌طور که عرف در اینکه چه چیزی در مبیع مجوز فسخ بیع محسوب می‌شود یا نمی‌شود، دخالت دارد و نیز عرف جاری در هر زمان و مکانی دخالت زیادی در شیوه و نوع لباس پوشیدن مردم دارد و نوعی از لباس را مطلوب می‌داند، مثلاً حکم نپوشیدن سر برای مردان بر اساس مکان تفاوت دارد، در شرق برای صاحبان مناصب و افراد وجیه، زشت شمرده می‌شود، اما در غرب قبیح نیست.

بنابراین حکم شرعی نیز به تبع آن تغییر می‌یابد و از همین روی نپوشیدن سر از دیدگاه فقیهانی شرق منافی عدالت است، اما از دیدگاه فقیهان غرب چنین نیست (ابن عابدین، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۱).

هم‌چنین است در مورد اندازه نفقه همسر و مزد اجیر و آنچه که حق یا ضرر به حق‌غیر در برخی منافع محسوب می‌شود. اگر عرف در چنین مواردی تغییر کند، در نتیجه، فتوا نیز تغییر می‌کند. آنچه را که برخی از فقیهان در موردی که زوج و زوجه در گرفتن مهر اختلاف داشته باشند، گفته‌اند بر اثر تغییر عرف می‌باشد. چون برخی گفته‌اند: قول زوج در پرداخت مهریه مقدم است که این قول آنان بنا بر عرف موقتی زمان و مکان آنان بوده است. کسانی هم که گفته‌اند: قول زوجه مقدم است، بر اساس نسخ این عادت قبلی بوده، در نتیجه حکم ثابت است و در آن اختلافی نیست، مگر از حیث اختلاف و تغییر عادت مردم (شاطبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۶).

از دیگر مواردی که داخل این موضوع است مورد زیر می‌باشد: گروهی از سلف و فقیهان، شهادت پدر برای فرزند، فرزند برای پدر، برادر برای برادر و زوج برای زوجه را رد کرده‌اند و این مذهب حسن بصری، نخعی، شعبی، شریح، مالک، ثوری، شافعی و ابن حنبل می‌باشد. در حالی که فقیهانی قبل از آنان شهادت آن افراد را قبول می‌کردند و

به این آیه استناد می‌کردند: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالفسطی شهداء لله وکونوا علی انفسکم اولوالدین و الاقربین» (نساء: ۱۳۵).

از زهری نقل شده است: «فقیهانی سلف، شهادت پدر برای فرزند، فرزند برای پدر، برادر برای برادر و زوج برای زوج را قبول می‌کردند، چون مردم زمان آنان صالح بودند اما بعد از آن زمان، مردم تغییر کردند و اموری از آنان مشاهده شد که فقیهان را بر آن داشت که آنان را در شهادت متهم بدانند، لذا شهادت فرد متهم از نزدیکان مذکور پذیرفته نشد و از آن زمان به بعد شهادت فرزند، پدر، برادر، زوج و زوجه به نفع همدیگر پذیرفته نشد» (ابن قیم جوزی، ۱۹۷۳، ج ۱، ص ۱۱۳).

هم‌چنین گاهی اوقات احکامی وجود دارد که خارج از اختیار مکلف می‌باشد و محیط و سنن تکوینی یا به اصطلاح فقیهان، عادت، آن‌ها را مشخص و معین می‌کند مانند: مسأله بلوغ که مرتبط به احتلام در پسران و حیض در دختران است و از یک مکان به مکان دیگر تفاوت دارد، مثلاً در مکان‌هایی که دارای آب و هوای گرم می‌باشند، سن بلوغ پایین می‌باشد و در اماکنی نیز که دارای آب و هوای سرد می‌باشند سن بلوغ بالاتر است (شاطبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۵).

مثال جالب دیگر در این بحث این است که ابوحنیفه معتقد بود کسی که لباسی را غصب کرده و آن را با رنگ مشک، رنگ‌آمیزی کرده، این کار او عیب و نقص محسوب می‌شود. لذا غاصب هنگام باز گرداندن آن لباس به صاحبش ضامن نقصی است که بر آن وارد کرده است، اما هنگامی که عرف مردم تغییر کرد و نه تنها رنگ‌آمیز کردن لباس را با رنگ مشک عیب نمی‌دانستند، بلکه آن را کمال و مزیت می‌دانستند و آن هنگامی بود که عباسیان رنگ مشک را به عنوان نماد و نشانی خود انتخاب کردند، ابویوسف فتوا داد به اینکه رنگ‌آمیزی کردن لباس غصبی با رنگ مشک توسط غاصب، عیب محسوب نمی‌شود، بلکه کمال و زیادی مطلوب به حساب می‌آید. بنابراین اگر مالک آن لباس را از غاصب پس بگیرد، باید قیمت آن زیادی (رنگ مشک) را به غاصب بپردازد (زرقا، ۱۹۶۸، ج ۱، ص ۱۴۸ و ۱۴۹).

این نوع از تغییر فتوا و اختلاف بین فقیهان، مشهور به اختلاف عرف و زمان می‌باشد نه اختلاف در دیدگاه و اصول (ابن عابدین، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۴؛ ابن قیم جوزی، ۱۹۸۵، ص ۲۴).

## ۲-۱-۵. تغییر در توانایی‌ها و امکانات مردم

امروزه با تغییر زمان و تغییر توانایی‌های انسان، نیازهای او نیز تغییر می‌یابد. امروزه مردم بر اثر پیشرفت علم و تکنولوژی دارای توانایی‌هایی هستند که قبلاً نداشتند زیرا دانش از راه انقلاب‌های هفت‌گانه یعنی: انقلاب‌های فن آوری، زیست‌شناختی، فضایی، هسته‌ای، الکترونیک، اینترنت و گسترش ارتباطات، توانمندی‌های سترگی به انسان بخشیده است. همه این دانش‌ها بی‌تردید تأثیر خورد را بر احکام به جای می‌گذارند (محقق داماد، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۸۰-۸۶). برای نمونه می‌توان مسأله انتقال مرد و جابه‌جایی زن را ذکر کرد: علما در گذشته می‌گفتند بر زن واجب است از لحاظ محل سکونت از شوهرش تبعیت کند، سپس علما رأی خود را تغییر دادند و گفتند بر زن واجب نیست در محل سکونت از شوهرش تبعیت کند. زیرا اخلاق و ایمان مردم تغییر کرده بود و بسیاری از مردان بر همسران‌شان ظلم می‌کردند و آنان را به جاهایی می‌بردند که هیچ‌یک از بستگان و آشنایان زن در آن جا نبود. اما امروزه دوباره رأی علمای متأخر دچار تغییر شده است. زیرا اکنون زن قادر است در هر کجای دنیا که باشد به آسانی با خانواده و بستگانش در ارتباط باشد و به اصطلاح امروزی، جهان تبدیل به یک دهکده شده است و لذا فقیهان فتوا به وجوب پیروی همسر از شوهرش در انتخاب محل سکونت، داده‌اند (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴).

بنابراین وقتی توانایی‌ها و امکانات تغییر کند، این تغییرات به تغییر فتوا و دگرگونی احکام هم خواهد انجامید. پیشرفت علم و تکنولوژی باعث تغییر ارزش‌ها نیز می‌شود. زیرا چه بسا حکم بر اساس ارزش یک موضوع، بر آن بار شود نه اصل عنوان و وجود موضوع. لذا تغییر ارزش - هر چند موضوع بنفسه باقی باشد - موجب تغییر حکم است.

یک قالب یخ در زمستان در منطقه سردسیر، فاقد ارزش اقتصادی است و مالیت ندارد و معامله آن باطل است. اما همین قالب یخ در تابستان، دارای ارزش است، و معامله آن

صحیح است. همچنین شرایط گاهی باعث افزایش یا نزول ارزش می‌شود. مثلاً یک روز برای خون هیچ گونه ارزش اقتصادی تصور نمی‌شد و معامله آن باطل بود، اما امروزه که تزریق خون جان بیمار را نجات می‌دهد، از ارزش بسیاری برخوردار است و معامله آن صحیح است (اسدی، ۱۳۷۴، ص ۵۳).

یکی دیگر از مسائلی که حکم آن بر اثر تغییر توانایی و امکانات مردم دچار تحول شده است مسأله وارد شدن شبانه مرد مسافر نزد خانواده خود است. حدیثی از پیامبر اکرم (ص) روایت شده، که آن حضرت (ص) مرد را از آمدن شبانه نزد خانواده‌اش، نهی فرمود (مسلم، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۲۷؛ نسائی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۳۶۱). چنین منعی از داخل شدن سرزده مرد مسافر به خانه خود، برای این بوده، که وی نتوانسته خانواده خویش را به آمدن خود آگاه سازد، و با چنین آمدن ناگهانی، شاید شوهری همسر خود را متهم می‌گرداند؛ یا جاسوسی سرزده بر او می‌گماشت. افزون بر این، شایسته‌تر آن که، زن با آرایش و زیور و زیبایی به پیشواز شوهر خویش برود؛ اما سرزده وارد شدن شوهر، این امکان را از او می‌گرفت.

البته امروزه که مرد می‌تواند با خانواده‌اش از مکانی دور ارتباط برقرار کند، وضعیت فرق کرده است. مرد می‌تواند با تلفن خانواده خود را در جریان زمان دقیق رسیدن خویش قرار دهد؛ و سرزده و ناگهانی داخل خانه خود نگردد. این از جمله امکاناتی است که تغییر کرده و متحول شده است؛ پس حکم نیز به تناسب آن تغییر می‌کند و با آگاهی یافتن خانواده از آمدن شوهر، دیگر برای آمدن وی در هر لحظه از شب یا روز منعی باقی نمی‌ماند. افزون بر این، امروزه زمان دقیق رسیدن مسافر در اختیار وی نیست و زمان آن را ساعت پرواز هواپیماها و دیگر وسائل نقلیه تعیین می‌نمایند (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳ و ۱۲۴).

## ۲-۱-۶. تغییر در اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

تغییر و تحول در اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باعث می‌شود نظر مردم در مورد بسیاری از چیزها تغییر کند. از جمله:

### تبریک گفتن عیدهای مسیحی به آنان

رعایت تغییر و تحوّل در اوضاع کنونی جهان باعث شده تا برخی از مجتهدان امروزی با نظر ابن تیمیه درباره تحریم تبریک گفتن به مسیحیان و دیگر ادیان به مناسبت اعیادشان مخالفت ورزند و چنین تبریک گفتنی برای آنان را جایز بدانند. به ویژه که اگر میان مسیحی و مسلمان نوعی پیوند نزدیک، مانند خویشاوندی و همسایگی و همکلاسی و... وجود داشته باشد. چنین مسأله‌ای نیز از کارهای نیک است که خداوند متعال ما را از آن منع نفرموده، بلکه به آن سفارش نموده است (قرضاوی، بی‌تا، ج ۳، ص ۶۸۶-۶۹۱).

### ضرورت آسان‌گیری در مناسک حج

از امور دیگری که به دلیل تغییر اوضاع شایسته است، رویکردی جدید به آن داشته باشیم، مناسک حج است. عبادات در اسلام بر پایه آسانی بنا شده است. تردیدی نیست که حج به عنوان یک عبادت ویژه، بیش از هر عبادت دیگری نیازمند آسان‌گیری و ساده سازی است؛ زیرا اولاً بسیاری از مردم در شرایط مادی و بهداشتی کاملاً مناسبی این مناسک را به جای می‌آورند. ثانیاً به دلیل شدت ازدحامی که مسلمانان در موسم حج بویژه هنگام حرکت از عرفات و اقامت در مزدلفه و منی و طواف افاضه و رمی جمرات پدید می‌آورند، بسیاری از حاجیان از آن شکوه دارند.

هر اندازه بر حاجیان در انجام مناسک خود آسان بگیریم، آنان را در انجام بهتر عبادت برای پروردگارشان یاری داده‌ایم. ثالثاً پیامبر گرامی اسلام (ص) به ویژه در امور حج، بسیار آسان می‌رفت. از جمله این که، وقتی در روز عید قربان از تقدیم و تأخیر اعمال گوناگون از آن حضرت (ص) پرسیدند، فرمود: «هر چه می‌خواهی انجام بده! اشکالی ندارد». از این رو امروزه فقیهان، بازگشت پیش از مغرب از عرفات؛ بیتوته نکردن در مزدلفه؛ رمی جمره عقبه و طواف افاضه در کعبه پس از نیمه شب عید قربان؛ شب عید بیتوته نکردن در منی در ایام رمی؛ رمی پیش از ظهر و دیگر تخفیف‌های مناسب با اوضاع و احوال این زمان را جایز دانسته‌اند (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳-۱۳۵).

## ۲-۱-۷. مبتلا شدن همگان به مسأله

مبتلا شدن همگانی به برخی مسایل نیز از عوامل دیگر تغییر فتواست و فقیهان عمومیت یافتن هر چیزی را در شمار تخفیفی بر حکم آن تلقی کرده‌اند؛ زیرا عمومیت یافتن چیزی، نشان از نیاز مردم به آن دارد و شرع نیز نیازهای مردم را در نظر می‌گیرد؛ فقیهان معتقدند که نیاز به عنوان ضرورت در نظر گرفته شود.

برای مثال برخی از فقیهان گواهی دادن مرد سر برهنه را نمی‌پذیرفتند، ولی در سرزمین اندلس، گواهی دادن چنین کسانی را پذیرفتند. زیرا بسیاری از مردم در آنجا با سرهایی برهنه راه می‌رفتند، که شاید به دلیل تأثیرپذیری از اسپانیایی‌ها در آن زمان بود. در نتیجه چنین امری به عدالت شاهد یا انصاف وی، خدشه‌ای وارد نمی‌کرد یا در مسئله ریش، علمایی هستند که نسبت به آن سخت‌گیری می‌کنند و گذاشتن آن را واجب و تراشیدنش را حرام می‌دانند.

به نظر برخی دیگر، گذاردن ریش، سنت است و تراشیدن آن کراهت دارد، ولی در عصر کنونی باید در این باره تخفیفی قایل شویم؛ زیرا بیش‌تر مردم در همه کشورهای اسلامی، ریش خود را به طور کلی باقی نمی‌گذارند. حال رویکرد ما در برابر مردم باید چگونه باشد؟ آیا پذیرفته است که گواهی همه آنان را ساقط بدانیم؟ (قرضاوی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۱ و ۱۳۲).

## ۲-۲. دستیابی به منبع جدید

از دیگر عوامل تغییر فتوا در نگاه فقیهان اهل سنت، می‌توان دستیابی به منبع جدید باشد که در ادامه به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

## ۲-۲-۱. تغییر در ادله و اطلاعات

از دیدگاه برخی از فقیهان، تغییر در داده‌ها و کسب معلومات و اطلاعات جدید از اهم آن عوامل می‌باشد؛ زیرا معلومات دینی موجب آشنایی بیشتر فرد در موضوع می‌شود (متولی نظامی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۱-۱۱۳). این مسأله برای علما و فقیهانی متقدم اتفاق افتاده است مانند ابویوسف در ابتدا معتقد بود «صاع»، هشت رطل است، اما هنگامی که مالک



به او گفت: صاع پنج و ثلث رطل است، رأی خود را تغییر داد و گفت اگر ابوحنیفه نیز به آنچه من دست یافته‌ام دست می‌یافت، رأیش را تغییر می‌داد (ابن عابدین، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۵).

هم‌چنین تغییر اطلاعات و کسب معلومات جدید موجب شد که امام شافعی مذهب مصریش با مذهب عراقیش تفاوت داشته باشد و این به این دلیل بود که شافعی در مصراحادیی را شنید که قبلاً آن‌ها رانشنیده بود و این کسب اطلاعات و معلومات جدید باعث شد که شافعی بسیاری از احکام مذهب خود را تغییر دهد به گونه‌ای که به فتاوا و آرای فقهی وی قبل از رفتن به مصر، مذهب قدیم و به آرای وی بعد از آمدن به مصر، مذهب جدید گفته می‌شود (احمدیان، ۱۳۷۵، ص ۱۵۴؛ شکعه، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۲۷ و ۱۲۸؛ شافعی، ۱۹۶۱، ص ۱۹۴؛ شرقاوی، ۱۴۰۱، ص ۱۷۹-۱۸۱).

هم‌چنین امروزه در مجلس افتا و پژوهش‌های اسلامی در اروپا احکام جدیدی وجود دارد که بر خلاف آرای فقیهانی گذشته می‌باشد. مثلاً ارث بردن مسلمان از غیر مسلمان مشهور است، اختلاف دین موجب ارث نبردن مسلمان از کافر و کافر از مسلمان می‌شود، اما در میان صحابه پیامبر (ص) و تابعان، افرادی چون معاذ بن جبل، معاویه بن ابی سفیان، سعید بن مسیب، محمد بن حسین بن حنفیه، مسروق بن اجدع، یحیی بن یعمر، عبدالله بن مغفل، اسحاق بن راهویه و گروهی بعد از آنان را می‌یابیم که گفته‌اند: ممکن است مسلمان از کافر ارث ببرد (ابن قیم جوزی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۸۵۳-۸۵۹).

هم‌چنین یکی دیگر از نمونه‌هایی که تغییر آگاهی و کسب معلومات باعث تغییر در فتوا در زمان کنونی شده است مسأله مسلمان شدن زنی است که شوهرش بر کفر باقی می‌ماند. فتوای فقیهانی پیشین بر این بود که باید آنان از هم دیگر جدا شوند و امکان ندارد که یک زن مسلمان تحت نکاح یک مرد غیر مسلمان باقی بماند، اما بعداً و با گذشت زمان می‌بینیم که ابن قیم در کتاب «احکام اهل الذمه» راجع به این مسأله می‌گوید: در این مسأله نه قول وجود دارد، او همه آن‌ها را ذکر می‌کند که یکی از آن قول‌ها آن است که از عمر نقل شده که گفته است: آن زن بین باقی ماندن با شوهرش و یا ترک وی مخیر است و علی (ع) نیز گفته است: شوهر آن زن بیش از هر کس دیگری به آن سزاوارتر است، زهری و دیگران نیز گفته‌اند: آن دو بر نکاح خود باقی می‌مانند

مادامی که سلطان بین آنان حکمبه جدایی نکند (ابن قیم جوزی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۶۸۲-۸۹۵).

شیخ عبدالله جدیع عضو مجلس افتاء در اروپا در این مورد پژوهش جامع و وسیعی را انجام داد و مدت دو سال راجع به این مسأله تحقیق کرد او در مجموع به سیزده قول راجع به این موضوع دست یافت و به این نتیجه رسید: تفاوتی که در بین این اقوال وجود دارد به کسب معلومات و اطلاعات جدید باز می‌گردد و این امر باعث تغییر فتوا در این مسأله شده است (قرضاوی، ۱۴۲۲، ص ۱۰۵).

معلومات دنیوی نیز گاهی در تغییر فتوا مؤثر می‌باشند. شافعی در خصوص این که آدمی تا بیشتر معلومات کسب کند بیشتر بر نادانی خود آگاه می‌شود چنین می‌گوید: «کَلَّمَا ادَّبَنِي الدَّهْرُ ارَانِي نَقْصَ عَقْلِي أَوْ ارَانِي اَزْدَدْتِ عَلِمًا زَادَنِي عَلِمًا بِجَهْلِي».

پس نتیجه می‌گیریم که معلوماتی که بر اساس آن‌ها احکامی صادر شده باشد با تغییر آن معلومات، آن احکام نیز تغییر می‌یابند (خلاف، ۱۳۹۲، ص ۱۴۴-۱۴۹؛ نظامی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۱-۱۱۳). برای نمونه مسأله استعمال دخانیات را می‌توان ذکر کرد هنگامی که سیگار در مدت ۴۰۰ سال قبل پیدا شد، فقیهانی اسلام در مورد آن اختلاف بزرگی پیدا کردند: برخی قایل به مباح بودن و برخی دیگر قایل به مکروه بودن و یا حرمت آن بودند و برخی نیز گفتند: هر یک از احکام خمسه شامل آن می‌شود، به این صورت که در برخی اوقات حرام است و در برخی اوقات حلال و گاهی نیز مستحب یا واجب است. این فتاوی فقیهان مربوط به زمانی است که مردم به زیان‌های فراوان استعمال دخانیات آگاه نشده بودند، اگر آن علما به ضررهای آن آگاهی می‌داشتند رأی خود را تغییر می‌دادند.

امروزه تمام مردم جهان می‌دانند که استعمال دخانیات علاوه بر ضررهای دنیوی و مالی دارای زیان‌های زیاد جسمی است به ویژه موجب بیماری‌های ریوی و انواع سرطان می‌شود و سالیانه هزاران نفر بر اثر استعمال دخانیات جان خود را از دست می‌دهند. ما امروزه نمی‌توانیم بگوییم هر پنج حکم شامل استعمال دخانیات می‌شود. هنگامی که پزشک گفت: چیزی برای انسان مضر و زیان‌آور است بر عالم و فقیه واجب است

حکم به حرمت آن بدهد؛ زیرا فقیه نمی‌تواند آن چه را که برای سلامتی انسان مضر است، حلال بداند (قرضاوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۵۴).

### ۲-۲-۲. تغییر اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها

همچنان که تغییر اطلاعات و داده‌ها از عوامل تغییر فتواست، تغییر اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها نیز عاملی تاثیرگذار است. گاهی تغییری در نوع آگاهی‌ها و معلومات پدید نمی‌آید، ولی اندیشه مجتهد به دلیل گسترش دامنه آگاهی‌هایش، نیز نگاه وی به مدارس مختلف فقهی و مقایسه آن‌ها با هم یا به سبب تجدید نظر در دیدگاه‌هایش و تجزیه و تحلیل آن‌ها، ممکن است که تغییر یابد و آنچه پیش‌تر برایش پنهان و مبهم بوده، آشکار و روشن گردد.

در نتیجه رأی و حکم فقهی وی تغییر یابد. گاهی نیز چنین دگرگونی در فکر فقیه به سبب بالا رفتن سن و پختگی بیشتر و گسترش دامنه تخصص و تجربه زندگی صورت می‌گیرد. گاهی اندیشه عالم یا مجتهدی به اقتضای داده‌ها و عوامل گوناگونی دستخوش تغییرات ریشه‌ای می‌گردد و از سخت‌گیری و شدت به آسان‌گیری و سادگی یا از نگاه نصوصی محض و ظاهری، به رعایت و توجه به مقاصد و اهداف احکام، تغییر رویکرد می‌دهد.

در این جاست که می‌توان گفت از شیوه‌ای به شیوه دیگری یا از مکتبی به مکتب دیگر انتقال می‌یابد. چنان که در گذشته نیز شاهد انتقال علما از یک مذهب به مذهب دیگر یا از «اهل حدیث» به «اصحاب رأی» و بر عکس بوده‌ایم. برای نمونه می‌توان به امام شافعی و ابو جعفر طحاوی اشاره کرد (زرکی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۶؛ کحاله، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۷). و چه بسا روایات متعددی که از امامان بزرگی، هم چون مالک و احمد و غیره درباره یک مسأله فقهی نقل شده، زاینده همین تغییر در رأی و اندیشه امام بوده باشد.

این تغییرات ریشه‌ای، مسلماً دارای اثراتی بر فتوهای جزئی فقیه است. کسی که از سخت‌گیری به آسان‌گیری و از «ظاهرگرایی» به «مقصد اندیشی» روی آورده باشد،

بی‌تردید این تغییر نگرش در فتوهایش بازتاب می‌یابد. موارد زیر را می‌توان برای تغییر اندیشه و دیدگاه‌ها ذکر کرد:

**الف.** تغییر رأی شافعی در دو مذهب قدیم و جدید (ابن عبدالبر، ۱۴۱۷، ص ۷۸؛ باشنفر، ۱۴۲۴، ص ۸۵-۹۸).

**ب.** تغییر رأی عمر درباره مسأله «حماریه» یا «حجریه»

این مسأله به این ترتیب است، که ورثه به جای مانده از شخص فوت شده، همسر و مادر و دو برادر مادری یا بیش‌تر و یک برادر پدر و مادری یا بیش‌تر هستند. عمر در فتوای نخست خود، نیمی از ارث را برای همسر، یک ششم برای مادر و یک سوم را به طور مشترک برای برادران مادری اختصاص داد و سهمی را برای برادران پدر و مادری تعیین نکرد. همین مسأله فقهی، بار دیگر بر عمر عرضه شد و وی همین فتوای پیشین خود را در باره آن صادر کرد.

برادران پدر و مادری مرده اعتراض کردند و به وی گفتند: ای امیرالمومنین، فرض کن که پدر ما الاغی و در روایتی سنگی بود. آیا مادر ما یکی نیست؟ در نتیجه عمر از فتوای خود منصرف شد و برادران پدر و مادری مرده را با برادران مادری وی در یک سوم ارث سهیم ساخت (ابن قدامه، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۲).

### جمع‌بندی

با توجه به آنچه بیان شد به طور مختصر می‌توان به گزاره‌های زیر اشاره نمود:

۱. تغییر فتوا امری پذیرفته در میان فقیهان اهل سنت می‌باشد و شواهد بسیاری در دوره‌های مختلف تاریخی بر آن وجود دارد.

۲. دو عامل اساسی منشأ تغییر فتواست: تغییر موضوع و دستیابی به منابع جدید، که هر کدام از این موارد خود ناشی از عوامل مختلفی است، از جمله: «تغییر زمان»، «تغییر مکان»، «تغییر شروط و شرائط»، «تغییر عادات»، «تغییر در توانایی‌ها و امکانات مردم»، «تغییر اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها»، «تغییر در اوضاع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی» و «عمومیت ابتلای مسئله».

## یادداشت‌ها

۱. جهت کسب اطلاعات بیشتر رک: (یحیی محمد، ۱۴۱۰، «الفقه و مقتضیات الزمان»، به نقل از محمد عماره، «هل يجوز الاجتهاد مع وجود النص»، مجله منبر الحوار، شماره ۱۳، ص ۱۰۰).
  ۲. رک: (بقره: ۱۸۰).
  ۳. همانند دگرگونی در نیاز برای مثال در بسیاری از موارد خانواده‌های مسلمان مستأجر در اروپا به خاطر داشتن فرزندان زیاد، توسط صاحب خانه هایشان تهدید به اخراج می‌شوند، بنابراین اقلیت‌های مسلمان در اروپا و آمریکا نیازمند امتیازاتی هستند که صاحبان خانه از طریق بانک، معافیت‌های مالیاتی و استحقاق کمک‌های معینی، از آن برخوردارند.
- به دلیل این نیازها و نیازهای دیگر بود که «شورای اروپایی فتوا» با اکثریت آراء، فتوای جواز خرید خانه مسکونی از طریق بانک‌های ربوی را برای اقلیت‌های مسلمان اروپایی صادر کرد. به این ترتیب که اجاره بهای پرداختی به عنوان قسط ماهیانه خرید مسکن در نظر گرفته شود (قرضاوی، ۱۴۲۲، ص ۱۵۴-۱۸۸).

### کتاب‌نامه

#### قرآن کریم

- ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹)، المصنف، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- ابن بیه، عبدالله (بی‌تا)، فقه الاقلیات و صناعة الفتوی، بی‌جا: مرکز العالمی للوسطیة.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (بی‌تا)، مسند احمد، بی‌جا: دارصادر.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی (۱۴۱۷)، الانتقاء فی فضائل الائمة الثلاثة الفقیهان، حلب: مکتب المطبوعات، چاپ اول.
- ابن عابدین، محمد امین افندی (بی‌تا)، مجموعه رسائل ابن عابدین، بیروت: داراحیاء التراث.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد مقدسی (بی‌تا)، المغنی، بی‌جا: دار الكتاب العربی.
- ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر دمشقی (۱۴۱۸)، احکام اهل الذمه، بیروت: دار ابن حزم.
- ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر دمشقی (۱۹۷۳)، اعلام الموقعین عن رب العالمین، بیروت: دارالجلیل.
- ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر دمشقی (۱۹۸۵)، الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة، جده: دار المدنی.
- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی (بی‌تا)، سنن ابن ماجه، بیروت: دار الفکر.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (بی‌تا)، سنن ابی داود، به تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت: دارالفکر.
- احمدیان، عبدالله (۱۳۷۵)، تجزیه و تحلیل زندگانی امام شافعی، تهران: نشر احسان، چاپ دوم.
- اسدی، حبیب الله (۱۳۷۴)، «پویایی فقه اسلام؛ اجتهاد زمان و مکان»، تهران: مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی.
- باشنفر، سعید بن عبدالقادر (۱۴۲۴)، النظر فیما علق الشافعی القول به علی صحه الخبر، بیروت: دار ابن حزم، چاپ اول.

- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱)، الصحيح، بیروت: دارالفکر.
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۳۴۴)، السنن الكبرى، حیدرآباد: مجلس دائرةالمعارف النظامية الكائنة في الهند، چاپ اول.
- حاکم نيسابوري، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱)، المستدرک علی الصحيحين، بیروت: دارالعلم.
- خلاف، عبدالوهاب (۱۳۹۲) علم اصول الفقه، کویت: دارالقلم، چاپ دهم.
- دسوقي، محمد بن عرفه (بی‌تا)، حاشیة الدسوقي علی الشرح الكبير، تحقیق محمد علیش، بیروت: دار الفکر.
- زحیلی، وهبة عطية (۱۴۲۲)، تجديد الفقه الاسلامی، دمشق: دار الفکر، چاپ دوم.
- زرقاء، مصطفى احمد (بی‌تا)، المدخل الفقهي العام، دمشق: دار القلم.
- زرکلی، خیر الدین (بی‌تا)، الاعلام، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ پنجم.
- زیلعی، جمال الدین عبدالله بن یوسف (۱۴۱۵)، نصب الرأیة فی تخریج احادیث الهدایة، تحقیق ایمن صالح شعبانی، قاهره: دار الحدیث، چاپ اول.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی (بی‌تا)، الاعتصام، تحقیق و مقدمه محمد رشید رضا، قاهره: المكتبة التجارية الكبرى.
- شافعی، محمد بن ادريس (۱۹۶۱)، الام، قاهره: شركة الطباعة الفنية المتحدة.
- شرقاوی، عبدالرحمن (۱۴۰۱)، ائمة الفقه التسعة، بیروت: دار إقرا.
- شکعه، مصطفى (۱۴۰۴)، الائمة الاربعة، بیروت: دار الكتاب اللبناني.
- غزالی مصری، محمد (بی‌تا)، كيف نتعامل مع القرآن، مصر: دار النهضة، چاپ اول.
- قرافي، احمد بن ادريس صمنهاجي (بی‌تا)، انوار البروق فی انواع الفروق، بیروت: دار المعرفة.
- قرافي، احمد بن ادريس صمنهاجي (۱۹۹۵م)، الاحكام فی تمييز الفتاوى و الاحكام و تصرف القاضی، تحقیق عبدالفتاح ابوغدة، حلب: مكتب المطبوعات الاسلامية، چاپ دوم.

- قرضاوی، یوسف (۱۳۹۸)، موجبات تغییر الفتوی فی عصرنا، ترجمه محمد مقدس، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول.
- قرضاوی، یوسف (۱۴۱۸)، الحلال و الحرام فی الاسلام، قاهره: مکتبه وهبه.
- قرضاوی، یوسف (۲۰۰۱م)، المنتقی من کتاب الترغیب و الترهیب، قاهره: دارالتوزیع و النشر الاسلامیة.
- قرضاوی، یوسف (بی تا)، فتاوی معاصره، بی جا: دارالمعرفه.
- قرضاوی، یوسف (۱۴۲۲)، فی فقه الاقليات المسلمة؛ حياة المسلمين وسط المجتمعات الاخری، قاهره: دار الشروق.
- کحاله، محمد رضا (بی تا)، معجم المؤلفین، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۱)، «دور الزمان و المكان و اثرهما فی الاجتهاد و التجدید»، رساله تقریب، ش ۳۶.
- مالکی، محمد بن علی (۱۴۱۸)، تهذیب الفروق، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- متولی نظامی، محمد (۱۳۹۳)، «الشريعة الاسلامیة و التطور»، منبر الاسلام، سال سی و یکم، ش ۱۱۳.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۴)، «مبانی تطبیق پذیر قوانین اسلامی با تحولات اجتماعی»، مجله نقد و نظر، سال دوم، ش ۵.
- محمد، یحیی (۱۴۲۰)، «الفقه و مقتضیات الزمان»، مجله قضایا اسلامیة معاصره، ش ۷.
- مسلم نيسابوری، ابن حجاج نيسابوری (بی تا)، صحیح مسلم، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مهدی، یوسف (بی تا)، البعد الزماني و المکانی و اثرهما فی الفتوی، الجزائر: انتشارات وزارت اوقاف و امور دینی الجزائر.
- نسائی، احمد بن شعيب (۱۴۰۶)، المجتبی من السنن، تحقیق عبدالفتاح ابو غده، حلب: مکتب المطبوعات الاسلامیة.
- نسائی، احمد بن شعيب (۱۴۱۱)، السنن الكبرى، تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری و کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.



۱۲۰ دوفصلنامه علمی - تخصصی پژوهش‌نامه میان‌رشته‌ای فقهی، سال ششم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، پیاپی ۱۱

- هیثمی، علی بن ابی بکر (۱۴۰۸)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دار الکتب العلمیة.